

مقاله پژوهشی:

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر اقتصاد مقاومتی با تأکید بر مسئولیت‌پذیری مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران

[20.1001.1.74672588.1401.6.22.1.0](https://doi.org/10.1001.1.74672588.1401.6.22.1.0)

حامد فاضلی کبری^۱؛ اکبر بهمنی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳

چکیده

در این پژوهش، به نقش سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی با تأکید بر نقش مسئولیت‌پذیری مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران پرداخته شد. تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها پیمایشی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه مدیران و کارکنان شرکت‌های دانش‌بنیان به تعداد ۱۲۰ نفر است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۹۲ نفر برآورد شد و روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده است. جهت تأیید روایی ابزار پژوهش، از روایی واگرا و روایی همگرا استفاده شد و برای پایایی آن آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی استفاده شد، به طوری که ضریب پایایی آلفا برای پرسشنامه‌های سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، اهداف اقتصاد مقاومتی و مسئولیت‌پذیری به ترتیب برابر با ۰/۹۱، ۰/۸۹، ۰/۸۴ و ۰/۷۹ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS25 که در آن برای آمار توصیفی و برای تعیین رابطه بین متغیرها از معادلات ساختاری با نرم‌افزار SmartPLS بهره گرفته شدند. نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی به طور جداگانه بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و مسئولیت‌پذیری مدیران تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد؛ همچنین تأثیر مثبت و معنی‌داری مسئولیت‌پذیری مدیران بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی تأیید شد. در نهایت مسئولیت‌پذیری مدیران، روابط بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی با تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران نقش میانجی را ایفا می‌کند.

۱. استادیار مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول؛ رایانامه: fazeli2233@gmail.com

۲. استادیار مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

کلید واژه‌ها: سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، اقتصاد مقاومتی، مسئولیت‌پذیری، پارک علم و فناوری، مازندران.

مقدمه

اهمیت اقتصاد مقاومتی از آنجایی نشأت خواهد گرفت که دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی همواره کوشیده‌اند تا از ابعاد مختلفی بر بدنه نظام مقدس جمهوری اسلامی آسیب وارد کنند که در سال‌های اخیر، بیش از پیش، تمرکز اصلی آنها بر عرصه اقتصادی معطوف شده است؛ این در حالی است که وضعیت فعلی اقتصادی کشور با اقتصاد مقاومتی فاصله نسبتاً زیادی دارد. شاهد بر این ادعا، در بخش مصرف خانوار وجود اسراف و تبذیر در بازار مصرف، حاکمیت فرهنگ مصرف‌گرایی، تمایل به ترجیح مصرف کالای خارجی بر کالاهای تولید داخلی است. در بخش پس‌انداز نیز به‌جای استفاده از پس‌اندازها در سرمایه‌گذاری در بخش تولید و ایجاد اشتغال، این پس‌اندازها صرف خرید کالاهای بادوام شده و یا وارد بازار سفته‌بازی می‌شود (کازرونی و همکاران، ۱۳۹۸).

اقتصاد مقاومتی یکی از مبانی نظری اساسی در برابر تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی است که برای خروج کشور از بحران‌های اقتصادی توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مطرح شده است که طی مبنا و اصول آن می‌تواند نسخه شفابخشی برای رویارویی با تهدیدهای اقتصادی بین‌المللی باشد؛ که با اجرای آن می‌تواند این تهدیدها به فرصت‌های داخلی و شکوفایی اقتصادی تبدیل شود. رهبر انقلاب (۱۳۹۲) در فرازی از سخنرانی‌های خود توجه به دو بعد درون‌گرایی و برون‌گرایی در استقرار اقتصاد مقاومتی را یادآور شدند. ایشان در بعد درون‌گرایی به فعال‌سازی نیروی انسانی کارآمد داخلی، رشد بهره‌وری و توجه به عوامل تولید و شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های تولید توجه فرمودند و در بعد برون‌گرایی توجه ایشان به توسعه همکاری‌ها بین کشورهای منطقه بوده است. همچنین ایشان به برخی از عوامل اجتماعی چون عدالت اجتماعی، تقویت فرهنگ جهادی توجه کردند. به‌نظر می‌رسد توجه به دو عنصر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی دو جز ملتزم به اقتصاد مقاومتی است که در بیانات رهبری معظم انقلاب (مدظله‌العالی) نمود دارد (خاوری، ۱۳۹۵).

همچنین ایشان در صدر ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مقاومتی را الگویی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی معرفی کردند و در نام‌گذاری

سال ۱۳۹۳ نیز بر عامل فرهنگ در کنار اقتصاد تأکید نمودند. در نظریه‌های رشد و توسعه اقتصادی نوین نیز نقش اساسی عوامل فرهنگی تحت عناوینی مانند سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی مورد تأکید قرار گرفته است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳). مقوله فرهنگ دارای گستره وسیعی است که همه باورها، ارزش‌ها، هنجارها، عادات، سنن، آیین‌ها، الگوها، زبان، ادبیات و هنر یک ملت را شامل می‌شود؛ اما بدون تردید اساسی‌ترین عنصر در میان آنها عنصر باورها است. از این رو باور به خدای متعال و ایمان به تحقق وعده‌های او و اطاعت از فرامین او مهم‌ترین رکن اقتصاد مقاومتی در یک جامعه اسلامی است. تکامل الهی از طرفی هدف و جهت‌گیری مقاومت را نشان می‌دهد و از طرفی خطوط اصلی نقشه راه را روشن می‌کند و از طرف دیگر نیروی محرک و مقاومت‌آفرین جامعه برای حرکت به سمت قله‌های پیشرفت است (رهبر و همکاران، ۱۳۹۳). از تحلیل عناصر اصلی تشکیل‌دهنده یک نظام اقتصادی و نکات اساسی که در آیات و روایات و همچنین فرمایشات مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته است، می‌توان ارکان اساسی اقتصاد مقاومتی را در چهار محور: تحکیم پایه‌های ایمانی و فرهنگی؛ کار، تولید، تلاش جهادی؛ توزیع عادلانه امکانات و مواهب؛ اصلاح الگوی مصرف خلاصه کرد (تاجیک، ۱۳۹۶).

از طرف دیگر مسئولیت‌پذیری یکی از ارزش‌های مهم اجتماعی است که پذیرش آن از دوران کودکی شکل می‌گیرد و درونی می‌شود (حسینی قمی، ۱۳۹۱). مسئولیت‌پذیری و پذیرش کار انجام شده توسط فرد یا سازمان، یکی از مفاهیم مهم و کلیدی در فرهنگ کشورهای توسعه یافته است (برکلن و ریداس، ۲۰۱۴). مسئولیت، به لحاظ لغوی، توانایی پاسخ دادن و در عرف عام به مفهوم تصمیم‌گیری مناسب و مؤثر است؛ منظور از تصمیم‌گیری آن است که فرد در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که از او می‌رود به انتخاب، دست بزند که سبب ایجاد روابط انسانی مثبت و موفقیت شود (کلمز و رینولد، ۱۳۹۵). مسئولیت‌پذیری در یک تقسیم‌بندی کلی به دو حوزه مسئولیت‌پذیری فردی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تقسیم می‌شود؛ مسئولیت‌پذیری فردی به این معنا است که فرد خود را نسبت به خود و موقعیتی



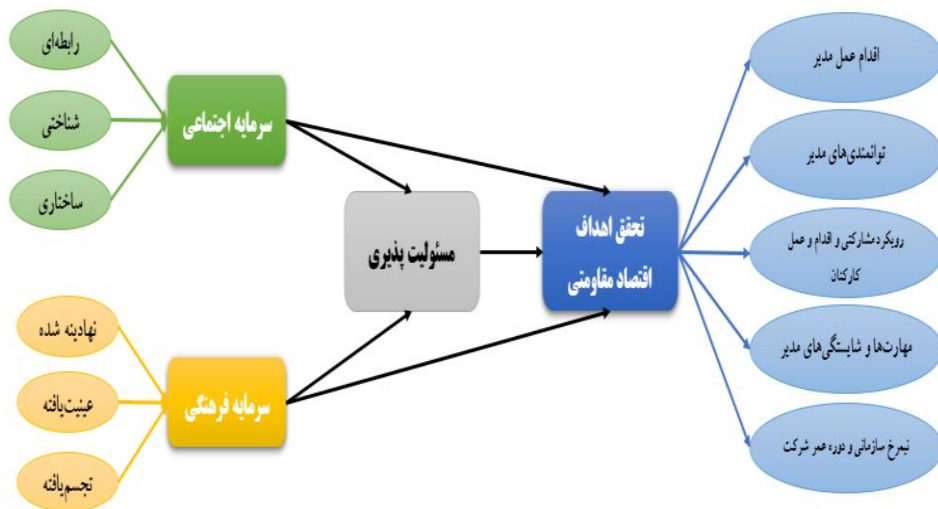
که در آن قرار گرفته و همچنین نیازهای دیگران مسئول بدانند (مرگلر و همکاران، ۲۰۰۷). مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز بیانگر احساس عملی است که افراد در چارچوب نقش‌های خود به‌طور آگاهانه نسبت به امور گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره از خود بروز می‌دهند (زارع و قربانی، ۱۳۹۹).

متأسفانه با وجود نزدیک به یک دهه از بیان اولین شعار اقتصادی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، تمام رهنمودها و بیانات مکرر، هنوز هیچ‌یک از شعارهای ایشان به‌درستی توسط مسئولین امر درک و اجرانشده و اکثر اقدامات در این زمینه از حد حرف و شعار فراتر نرفته است. معظم‌له نیز نگرانی خود را از این بابت ابراز کرده و مسئولین را به اقدام عملی در این خصوص توصیه کرده‌اند. بنابراین با توجه به تأکید مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر لزوم در اولویت قرار دادن الگوها و اصول اقتصاد مقاومتی در ساختار اقتصادی و صنعتی اینکه اقتصاد مقاومتی، یک اقتصاد مردمی به‌شمار می‌رود که مدیران و بخش خصوصی بازیگر اصلی آن معرفی شده است (میلانی، ۱۳۹۴). با توجه به اینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی، سال (۱۳۹۸) را به سال رونق تولید نام نهاده‌اند و همان‌طور که در بیانات ارزشمند ایشان، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی همواره راهگشای مشکلات اقتصادی فعلی جامعه است و از طرفی رویکرد سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دارایی‌هایی یک سازمان و از سمت دیگر بحث سرمایه اجتماعی به‌عنوان ریشه و اساس شکل‌گیری رفتار یک جامعه یا سازمان محسوب می‌گردد، مسئله اصلی در مورد پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در یک سازمان، بحث اعتماد، همدلی و همفکری و از سویی دیگر بحث ساختارهای فرهنگی و اجتماعی حاکم در یک سازمان و مسئولیت‌پذیری مدیران نسبت به آن است.

بر این اساس امروزه در فضای اقتصادی کشورمان که در شرایط ملتهب اقتصادی قرار گرفته است و برخی از رویدادهای آن مانند تحریم‌های بین‌المللی ناجوانمردانه که تاکنون در چهار دهه انقلاب اسلامی ایران سابقه‌ای نداشته است، شرایط پژوهشی کشور را مستلزم این می‌کند که پژوهشگران، محققین و صاحب‌نظران در این حوزه با انجام

پژوهش‌هایی در این راستا بتوانند به راهکارهایی اجرایی و کاربردی برای برون‌رفت از مشکلات و موانع اقتصادی پیش رو دست پیدا کنند. به دلیل اینکه اقتصاد مقاومتی مبحث جدید و نوآورانه‌ای در مدیریت مالی و نظام اقتصادی یک جامعه اسلامی تعریف می‌شود و تاکنون در هیچ‌یک از نظریه‌های مکتوب و غیر مکتوب پژوهشگران و خبرگان اقتصادی غربی، علائم و نشانه‌هایی از این مفهوم یافت نشده است، خلأ پژوهشی در این زمینه، بیش‌ازپیش مدیران اقتصادی جامعه حاضر را در برای پیاده‌سازی مؤلفه‌ها و سازوکارهای آن دچار مشکل کرده است، این در حالی است که در بین پژوهش‌های داخلی نیز مقالات، کتب و دستاوردهای پژوهشی اندکی در این زمینه موجود است و هنوز پژوهشی که بتواند به نوعی اقتصاد مقاومتی را در مقابل متغیرهای برگرفته از منابع انسانی قرار دهد، یافت نشده است (میلانی، ۱۳۹۴).

از طرفی ارتباط بین ریشه‌های فرهنگی و سرمایه اجتماعی با اقتصاد مقاومتی، یک خلأ بزرگ پژوهشی را در راستای اجرای آن نشان می‌دهد و بنابراین بر اساس آنچه بیان شد، محرز می‌شود که تاکنون پژوهشی در خصوص بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی انجام نشده است و این موضوع مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است؛ بنابراین وجود خلأ تجربی در این زمینه مسئله‌ی اصلی پژوهش حاضر است. در این راستا این پژوهش باهدف بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی با تأکید بر مسئولیت‌پذیری مدیران در شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران انجام می‌گیرد. بر این اساس مدل مفهومی مطالعه برگرفته از مطالعات تحقیقاتی که پشتوانه نظری این تحقیق است، ترکیبی از تحقیق نمایان و میر (۱۳۹۶)، تمنا و صمدی (۱۳۹۵)، شعبان (۱۳۹۸) طراحی شده است؛ در این مطالعه، تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در نقش متغیر وابسته، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی نیز در نقش متغیر مستقل همچنین مسئولیت‌پذیری در هر سه نقش متغیر (مستقل وابسته و میانجی) است. با توجه به در نظر گرفتن پیشینه تحقیق و اهمیت ذکر شده پژوهش حاضر، چارچوب مفهومی پژوهش، قابل ارائه است که در شکل ۱ مشخص شده است.



شکل ۱. الگوی مفهومی تحقیق

مبانی نظری

اقتصاد مقاومتی

فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) مبنی بر اینکه ما امروز در مقابل یک فشار جهانی قرار داریم. دشمنی وجود دارد در دنیا که می‌خواهد با فشار اقتصادی و با تحریم، سلطه یا اهریمنی خودش را برگرداند به این کشور. ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. در شرایط امروز اقتصادی کشور به‌عنوان یک راهکار کلان ارائه گردیده است. اکنون اقتصاد کشورمان از فضای جهانی هم تأثیر می‌پذیرد و هم به خاطر قدرتی که در حوزه‌های مختلف علمی، سیاسی و انرژی (به‌ویژه نفت) به دست آورده و یا از قبل داشته است بر آن اثر می‌گذارد. با توسعه تحریم اقتصادی علیه ایران (که به بهانه واهی موضوع هسته‌ای صورت می‌پذیرد) یک ضرورت بیش از پیش نمایان است و آن دستیابی به یک الگوی مقاومتی از اقتصاد است. الگویی که نسبت به بحران‌های اقتصادی رویکردی فعالانه دارد و می‌تواند در شرایط بحرانی موانع را برطرف سازد (فشاری و همکاران، ۱۳۹۳).

اقتصاد مقاومتی چشم اندازی کلان به جریان اقتصادی ایران اسلامی دارد و یک اقدام بلندمدت در راستای چشم انداز را شامل می‌شود. البته تحریم اقتصادی علیه ایران مربوط به سال‌های اخیر نیست. بلکه اولین تحریم اقتصادی ایران سی سال پیش و در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی توسط ایالات متحده صورت گرفت که منجر به مسدود شدن اموال کشورمان در بانک‌های غربی گردید. پس از آن در طول سال‌های گذشته تاکنون، تحریم‌ها به صورت مستمر به بهانه‌های مختلف تداوم یافته است. البته باید به این نکته اشاره کرد که در چند سال اخیر با تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ تحریم ایران در برخی محورها از قبیل: خرید نفت ایران، سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد ایران (خصوصاً بخش انرژی)، تحریم تجاری و حمل و نقل دریایی و هوایی ایران، بانک مرکزی و بانک‌های فعال در نقل و انتقالات صادرات و واردات کشور ابعاد وسیع‌تری یافته است. واژه اقتصاد مقاومتی بر این موضوع دلالت می‌کند که فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای دشمن سد راه پیشرفت جامعه است که باید بر آن غلبه کرد. برای درک مفهوم اقتصاد مقاومتی اول باید فهم درستی از اقتصاد ملی و همچنین فضای اقتصاد جهانی و به دنبال آن شدت فشاری که نظام سلطه استکبار و غرب نسبت به جمهوری اسلامی داشته است، به دست آوریم. نظام سلطه بعد از شکست‌هایی که در عرصه نظامی داشته است، چند سالی است که در حوزه اقتصاد به طمع افتاده است تا اقداماتی را به صورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند برای اثرگذاری بر محیط اقتصادی (با هدف‌هایی که تضعیف نظام و فشار روی آحاد مردم در رأس آن است) را در دستور کار قرار دهد. در این میان حرکت اقتصادی کشور نیز باید با این جریان محیطی دارای واکنش و برنامه‌ای متناسب باشد. با این تفاسیر و با توجه به وضعیت امروز و آینده جهان که به شدت در حال تغییر و تحول است، اقتصاد مقاومتی به دنبال تشکیل یک جریان اقتصادی فعال برای مقابله با هرگونه بحرانی است (اخضریان کاشانی و خلیل زاده، ۱۳۹۴).

دشمنان کشور ایران بیش از هر زمان دیگری عزم خود را جزم کرده‌اند تا اراده خودشان را به ما تحمیل کنند تا از بسیاری حقوق مسلم و آشکار خود در گذریم. بنابراین مقاومت در برابر این زورگویی آشکار، نیازمند دو اصل انگیزه و برنامه مشخص است. در این میان اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهکار اساسی معرفی شده است. از این

منظر اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن آن و تبدیل چنین فشارهایی به فرصت از طریق باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های مدبرانه که پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است؛ به بیان دیگر اگر در گذشته می‌گفتیم که فلان مجموعه نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آن هستیم که با باز تعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورده سازند که این یک رویکرد فعال است. مفهوم اقتصاد مقاومتی با واژگانی از قبیل: حمایت از تولید ملی، کارآفرینی، اتخاذ سیاست‌های پولی و ارزی متناسب، اصلاح الگوی مصرف، اجرای اصل ۴۴، تصحیح سیاست‌های بازرگانی، توجه به نخبگان، تولید دانش کاربردی و استفاده از فناوری نوین که از محورهای مهم تحقق آن هستند، معنای عملیاتی می‌یابد. امروزه در مقابل فشار کشورهای بیگانه و تحریم اقتصادی دیگر جوامع، تقویت و حمایت از بنیان‌های اقتصادی کشور تحت عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود. در واقع می‌توان اقتصاد مقاومتی را تبلور اقتصاد در مقابل تحریم‌ها و فشارهای خارجی و شکوفایی اقتصادی ملی تعریف کرد. پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در جامعه تاثیر و نتایج مثبتی در عرصه اقتصادی به دنبال دارد که در نهایت رشد تولید داخلی و اقتصاد بومی را رقم می‌زند. از سوی دیگر این نوع اقتصاد با خودکفایی و استقلال اقتصادی رابطه‌ای مستقیم دارد. مقاومت در برابر تحریم‌های کشورهای بیگانه می‌تواند جامعه را از وابستگی برهاند و خوداتکایی و استقلال اقتصادی را رقم زند. در این میان اما می‌توان با ایجاد راه‌اندازی اقتصاد مقاومتی تحریم‌ها را نیز به یک فرصت در پیش‌روی کشورمان بدل کنیم. در واقع الگوی مقاومتی در حوزه اقتصاد تلاش دارد تا سازوکارهای اقتصادی را چنان سامان دهد که پیگیری اهداف و آرمان‌های راهبردی نظام اسلامی در تعارض با استکبار جهانی تقویت شود (فشاری و همکاران، ۱۳۹۳).

سرمایه فرهنگی و اقتصاد مقاومتی

فرهنگ مقاومت با درون مایه‌ای سیاسی به ظلم‌ناپذیری، با روحیه‌ای فرهنگی به‌مثابه حفظ ارزش‌های خودی در مقابل ارزش‌های بیرونی، در قالب اجتماعی به معنای انسجام درونی و در بعد اقتصادی به خودباروی و تکیه بر ظرفیت‌ها و داشته‌های درونی اشاره دارد. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با حرکت در این مسیر ضمن توجه اکید به ابعاد اقتصادی و فرهنگی نظام اسلامی، با ذکر این عنوان که مقاومت تنها و اصلی‌ترین گزینه‌ی نهایی پیش روی انقلاب برای بقا و انسجام ملی است، تکیه بر فرهنگ مقاومت را اصلی‌ترین نیاز امروز کشور و انقلاب می‌داند و با ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و فرهنگ اسلامی نسبت به نقش‌آفرینی موثر دولت و ملت در این خصوص، تاکید می‌کنند.

از این رو سرمایه فرهنگی نیز یکی از تأثیرگذارترین مؤلفه‌های اجتماعی در جوامع است که در تعیین نگرش‌های سیاسی و اجتماعی و حتی اقتصادی نقش مهمی را ایفا می‌کند. در نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو^۱، مالک سرمایه فرهنگی به فرد اجازه می‌دهد در حوزه تولید فرهنگی اعمال کنترل کند (ناخانی و کارتیس، ۱۹۸۴). از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی عبارت است از شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹). سرمایه فرهنگی به‌عنوان یک رابطه اجتماعی درون سازوکارهای از تعاملات که مشتمل بر دانش فرهنگی انباشته عمل می‌کند، منتهی به قدرت و منزلت می‌شود (روحانی، ۱۳۸۸).

پیش‌بینی، محاسبه، سنجش، فردگرایی، سودمندی و هدف‌داری، به‌عنوان عناصری ارزشی، سازنده بنیان فرهنگی ساختاری است که در عرصه فرا ملی، نام اقتصاد جهانی بر آن نهاده‌اند. امروز، در عرصه‌ی فرهنگی، روح حاکم بر مناسبات جهانی اقتصاد، همگام با نگرش‌های جدید در عرصه‌ی سیاست‌ورزی و جهانی‌گرایی، صحنه‌ی تاخت‌وتاز علیه فرهنگ‌های ملی و هویت‌های بومی شده است (فشاری و همکاران، ۱۳۹۳). ساختار نظام بین‌الملل در آغاز سده‌ی جدید و مدت زمانی قبل‌تر از آن بر مبنای ایدئولوژی‌های جهان‌نگر، ساختارهای فرهنگ بومی و هویت‌های شخصی، ایجاد شده بود که در آن

ارتباطات انسانی به‌سان جزیره‌ای مستقل با ارزش‌هایی درون‌زاد، رخ می‌نمود. امروزه شتاب بی‌سابقه در تولید علم تجربی، سرعت نشر اخبار و اطلاعات و ظهور شبکه‌های ساختاریافته مالی به موجی تبدیل شد که نتیجه‌ی آن زوال فرهنگ بومی، تضعیف هویت‌های شخصی، اضمحلال نظام‌های سنتی سیاسی، از هم گسیختگی ارتباطات درون محلی و در نهایت فروپاشی ابزار ایدئولوژی به مثابه یگانه‌عامل انسجام بخش اجتماعی و سیاسی شد. سودجویی، لذت‌مندی و فردگرایی و شکل‌های جدید خانواده و نظام سنتی به مفاهیم و شیوه‌های جدیدی بدل گشته که عرصه را بر قناعت، صرفه‌جویی، نوع‌دوستی و جامعه‌گرایی تنگ کرده است. برخی از اندیشمندان، قدرت پول‌مازاد و سودجویی بی‌حد و حصر را به‌مثابه عامل استثمار و چیزی به نام از خود بیگانگی می‌دانند. این مفهوم اشاره به شرایطی دارد که در آن اقتصاد سودمحور بر فرهنگ کار چیرگی می‌یابد. آنجا که شرایط امروز نظام اقتصاد جهانی نماد و تجلی آن است. زمانه‌ای که با استیلای فراگیر اقتصاد منفعت‌گرا، فرهنگ‌های بومی و ملی یکی پس از دیگری از صحنه خارج شده و مرزهای سیاسی را دیگر توان رقابت و جلوگیری از نفوذ روزافزون این قدرت جهانی پول‌محور نمانده است. در ساحت جهانی و مختصات جدید نظام اجتماعی بین‌الملل اما همواره استثنا نیز وجود دارد. هستند بعضی از فرهنگ‌ها و حاکمیت‌های سیاسی که به حفظ ساختارهای بومی و فرهنگ ملی و اعتقادی خود مبادرت می‌کنند. این نظام‌های ملی - ایدئولوژیک همچنین با نیروهای سیاسی بیرونی که در صدد نفوذ به بافت فرهنگی و اجتماعی خویش هستند به دیده‌ی تهدید نگریده و خواستار مقابله فرهنگی با آنها می‌شوند. نظام جمهوری اسلامی نمونه‌ای مشخص و روشن از اینگونه دولت‌های مستقل است که بنیان فکری و سیاسی آن بر مبنای فرهنگ اسلامی و به‌خصوص نظام سیاسی فقه شیعی استوار شده است. نظام جهانی و در راس آن ایالات متحده نیز که از سوی جمهوری اسلامی دشمن شماره یک ملت تلقی می‌شود، در صدد نفوذ بیشتر در این مجموعه و در یک کلام کنترل آن خواهد بود. از این رو با افزایش فشار، از طریق اجماع جهانی علیه این کشور، از همه‌ی ابزارها از جمله تحریم اقتصادی، تهدید نظامی و ... بهره می‌گیرد (جوهری، ۱۳۹۳). بنابراین، الگوی اقتصاد مقاومتی می‌تواند با بهره‌گیری و تکیه بر ظرفیت‌های فرهنگی مقاومت‌محور

که متأثر از نظام فرهنگی شیعی است، از پس چالش‌های فرارو در مواجهه با موج افسارگسیخته جهانی شدن به سبک غربی برآید (حسن زاده، ۱۳۹۳).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ضمن مهم دانستن توجه به مسأله‌ی اقتصاد در کنار سایر مسائل و به‌خصوص حوزه‌ی فرهنگ، داشتن ملتی نیرومند را که اقتصاد و فرهنگ آن، متعلق به خود ایشان باشد، یک نیاز راهبردی قلمداد می‌کنند. ایشان همچنین در تعریف اقتصاد مقاومتی بیان می‌دارند که اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است؛ با تحریکات جهانی، با تکان‌های جهانی، با سیاست‌های آمریکا و غیر آمریکا زیرورو نمی‌شود؛ اقتصادی است متکی به مردم. ایشان در ادامه طرح مفهوم اقتصاد مقاومتی را یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ارزیابی می‌کنند و درون‌زا بودن، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، دانش‌بنیان بودن، مردمی بودن، تکیه بر پیشرفت‌های علمی و عدالت‌محوری را از جمله ویژگی‌های مهم این مفهوم اقتصادی بومی بیان می‌دارند. بنابراین با تعمق در سیاست‌ها و شیوه‌های اجرایی تحقق اقتصادی مقاومت‌گونه می‌توان انتظار داشت تا از این پس نظام اسلامی برای تجهیز خویش برای مقابله با تهاجمات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دشمن رویکردهای جدید حول محور ایستادگی و مقاومت اتخاذ کرده که اثربخشی و موفقیت آن به چگونگی اجرا و واکنش‌های احتمالی دشمن وابسته است. از این رو نظام اسلامی در ایران با درک این ضرورت تلاش می‌کند تا در استفاده مؤثر از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بومی در حوزه اقتصاد ملی با اتکا به داشته‌ها و مولفه‌های ناب فرهنگی خویش تمرکز کرده تا مسیر مناسب برای دستیابی به اهداف کلان فرهنگی هموار شود (طاهری و همکاران، ۱۳۹۲).

سرمایه اجتماعی و اقتصاد مقاومتی

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی)، اقتصاد مقاومتی عاملی است که می‌تواند سرمایه‌های مختلف در سازمان را تحت تأثیر قرار دهد؛ یکی از این سرمایه‌های سازمانی، سرمایه‌ی اجتماعی است. منظور از سرمایه اجتماعی^۱ املاک، دارایی‌های شخصی یا پول

نیست. منظور آن چیزی است که باعث می‌شود این اشیاء محسوس در زندگی روزمره مردم بیشتر به حساب آیند؛ یعنی حسن نیت، دوستی، حس همدردی و مراودات اجتماعی بین گروهی از افراد یا خانواده‌ها که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند (سوری، ۱۳۹۳). سرمایه‌ی اجتماعی یک جامعه دربرگیرنده‌ی نهادها، روابط، نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که اصولاً حاکم بر تعاملات بین افراد آن جامعه است و به توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی آن کمک می‌کند. درواقع سرمایه اجتماعی شامل قواعد و ارزش‌های مشترک برای رفتارهای اجتماعی مطرح در روابط شخصی و همچنین شامل اعتماد و حس مشترک از مسئولیت مدنی است که جامعه را تبدیل به چیزی فراتر از یک مجموعه از افراد می‌کند. سرمایه‌ی اجتماعی جامعه را سالم‌تر، دارا تر و شاید باتدبیرتر و شکیباتر می‌کند. به نظر پاتنام^۱، سرمایه اجتماعی موجب داشتن حکومت خوب و کارا می‌شود. در کشورهای توسعه‌نیافته فقدان سرمایه اجتماعی را حلقه مفقوده توسعه و رشد اقتصادی دانسته‌اند. اقتصاد جدید، سرمایه اجتماعی را به کار می‌گیرد و به هنجارهایی که از بیرون نظام اقتصادی سرچشمه گرفته‌اند و بر رفتارهای اقتصادی تأثیر می‌گذارند، توجه جدی نشان می‌دهد. ازاین‌رو، اقتصاددانان آن را به منزله یکی از شاخص‌های مهم توسعه مطرح کرده‌اند (حمیدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

از سوی دیگر امروزه تنها داری‌ها و منابع مالی به منزله سرمایه شناخته نمی‌شوند، بلکه ما با پدیده‌های نوظهوری در نیروی انسانی مواجهیم که از آنها با عنوان سرمایه‌ای انسانی و اجتماعی نام‌برده می‌شود. همان‌طور که سرمایه‌های فیزیکی، با ایجاد تغییرات در مواد، برای شکل دادن به ابزارهایی که تولید را تسهیل می‌کنند، به وجود می‌آیند، «سرمایه‌های انسانی» نیز با تغییر دادن افراد یک جامعه برای واگذاری مهارت‌ها و معلومات به اعضایش پدید می‌آیند و انسان را قادر می‌سازند تا با شیوه‌های جدیدتر، مطلوب‌تر و کارا تر رفتار کنند (کلمن^۲، ۱۳۸۷). در نظریه‌هایی که در زمینه رشد اقتصادی مطرح شده است بر عواملی مانند تحقیق و توسعه، انباشت سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی تأکید جدی شده است.

شناسایی صحیح موتور رشد کشور و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت نیل به رشد و توسعه کشور، از جمله اموری است که می‌تواند نقش دولت در هر سطحی را برای سرعت بخشیدن به رشد و توسعه اقتصادی با ایجاد اقتصاد مقاومتی در ایران توجیه کند. برای مشاهده آثار همدلی و همراهی ناشی از اقتصاد مقاومتی، نیاز به بسیج مردمی است و چنانچه در این بسیج همگانی، زمینه حضور آحاد جامعه فراهم آید؛ همانند فرصت‌هایی که در هشت سال جنگ عراق علیه ایران فراهم آمد و مردم توانستند در حوزه دفاع از این آب و خاک عرض اندام کنند، همراهی و همکاری مردم با برنامه‌ریزان اقتصادی و مدیران جامعه آغاز می‌شود؛ این به تعبیری آن فرصتی است که از دل تهدید بیرون آمده است و نتیجه اینکه کل جامعه حتی نسل‌های آتی از آن بهره‌مند خواهند شد. تحت این شرایط، مفهومی تحت عنوان سرمایه اجتماعی خود را نشان خواهد داد که حفظ و افزایش این سرمایه از مهم‌ترین مسائل است (زینال و زمانی، ۱۳۹۴).

حمایت و همدلی افراد جامعه بی‌تردید یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عواملی است که در کم‌رنگ‌تر کردن آثار فشارها و تحریم‌های اقتصادی نقش دارد. صیانت و افزایش این حمایت و همدلی تا حدود زیادی در گرو ایجاد احساس مشارکت در فعالیت‌های ناظر بر توسعه کشور نزد طیف‌های مختلف جامعه است؛ به عبارت دیگر، به هر میزان طیف‌ها و گروه‌های مختلف نسلی، صنفی و جنسی در جامعه به این باور برسند که می‌توانند و باید در رشد و توسعه کشور نقش ایفا کنند، اندوخته ما از سرمایه اجتماعی افزون‌تر خواهد شد. واژه سرمایه دلالت دارد که سرمایه اجتماعی همانند سرمایه انسانی یا سرمایه اقتصادی ماهیتی زاینده و مولد دارد؛ یعنی ما را قادر می‌سازد ارزش ایجاد کنیم؛ کارها را انجام دهیم؛ به اهدافمان دستیابیم؛ مأموریت‌هایمان را در زندگی به پایان برسانیم و به سهم خویش به دنیایی یاری رسانیم که در آن زندگی می‌کنیم. وقتی می‌گوییم سرمایه‌های اجتماعی زاینده و مولد هستند، منظور این است که هیچ فردی بدون آن موفق نیست و حتی زنده نمی‌ماند (کلمن، ۱۳۸۷).

مسئولیت‌پذیری و اقتصاد مقاومتی

منابع انسانی، به منزله پایه‌های رشد و توسعه سازمان‌ها، از جمله مهم‌ترین دارایی کشور و سازمان‌های پویا به‌شمار می‌آید که همواره باید برای توانمندسازی آنها تلاش کرد همچنین از مهم‌ترین اجزای اقتصاد مقاومتی است و جایگاه ویژه‌ای در ترویج فرهنگ مقاومت در سازمان‌ها و کشور، توسعه صنعتی و مناسبات اقتصادی دارد و از طرفی، توسعه اقتصادی کشورها و ارائه الگوهای توسعه‌ای متناسب با فرهنگ هر کشور، یکی از زمینه‌های بحث‌انگیز در حوزه مدیریت توسعه بوده است. اقتصاد مقاومتی، به‌دنبال تربیت منابع انسانی کارآمد و حمایت همه‌جانبه از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی است تا تأثیر تحریم بر صنعت تولید را کاسته و کشور در زمینه تولید محصولات، به خودکفایی برسد. در اغلب کشورهای در حال توسعه، یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های مدیران کارآمد در سطوح مختلف، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی شاغل در تمام حرفه‌ها است، تا آنها با حس مسئولیت و تعهد کامل به مسائل در جامعه و حرفه خود به کار بپردازند و اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند (رجبی‌پور و دهقانی، ۲۰۱۳).

از جمله شاخص‌هایی که در زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی می‌توان بیان کرد وجدان کاری و مسئولیت‌پذیر بودن منابع انسانی و به‌دنبال آن وظیفه‌شناسی آنها سازمان‌ها است. این دو مورد، از جمله مواردی هستند که در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی نقش به‌سزایی دارند. مسئولیت‌پذیری، ملاک انسانیت افراد است و حس مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی در انسان، ملازم با یکدیگر هستند. از آنجایی که وظیفه‌شناسی از جمله مؤلفه‌های اصلی مسئولیت‌پذیری است؛ می‌توان گفت که فردی وظیفه‌شناس، به منزله فردی مسئولیت‌پذیر نیز شناخته می‌شود. اهمیت برخورداری منابع انسانی از دو ویژگی مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی در سازمان‌ها، به بهبود رفتارها و پیدایش متخصصانی با اخلاق و در نتیجه، جامعه اخلاق‌مدار، مسئول‌مدار و مقتصد کمک می‌کند. سازمان‌ها ناگزیر در درون محیط خارجی پرتلاطمی قرار دارند و بدین‌منظور، این نیاز در سازمان‌ها مشاهده می‌شود که مدیران، پی در پی مسائل سازمانی را رصد کرده و به تدوین برنامه‌هایی برای حل اینگونه مسائل بپردازند. بدین‌جهت، در امتداد تحقق اقتصاد مقاومتی، این نیاز وجود دارد که

مدیران به افراد، گروه‌ها و دیگر واحدهای سازمانی به چشم منابع انسانی بنگرند که باید توسعه داده شوند. در این راستا، نقش منابع انسانی در پیشبرد اهداف سازمان و توسعه و پیشرفت آن، بسیار حیاتی و پر رنگ است (رجبی پور و فتعی، ۱۳۹۶).

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق بر اساس سایت رسمی پارک علم و فناوری استان مازندران با توجه به تعداد شرکت‌ها که برابر ۲۴ شرکت و تعداد مدیران و کارکنان به‌طور تقریبی ۱۲۰ نفر بود که بر اساس آن حجم نمونه با توجه به جدول کرجسی-مورگان ۹۲ نفر تعیین شد. نمونه مورد مطالعه به روش تصادفی ساده جمع‌آوری شده است. نتایج جمعیت‌شناسی تحقیق نشان داد از نظر جنسیت ۲۹/۳ درصد حجم نمونه را زنان و ۷۰/۷ درصد مردان بودند. از نظر تحصیلات ۱۳ درصد دارای مدرک فوق دیپلم، ۳۷ درصد دارای مدرک کارشناسی و ۵۰ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند. از لحاظ سن ۶/۵ درصد ۲۵ سال و کمتر، ۳۵/۹ درصد بین ۲۶-۳۵ سال، ۳۲/۶ درصد بین ۳۶-۴۵ سال و ۱۶/۳ درصد بین ۴۶-۵۵ سال و ۸/۷ درصد ۵۶ سال و بالاتر بودند. از نظر سابقه ۵۷/۷ درصد ۱۰ سال و کمتر، ۳۳/۶ درصد بین ۱۱-۲۰ سال و ۸/۷ درصد بین ۲۱ تا ۳۰ سال سابقه کاری داشتند. همچنین برای برآزش الگو و آزمون فرضیه‌ها از روش معادلات ساختاری (SEM) استفاده شده است. در این تحقیق از چهار پرسشنامه استاندارد اقتباس شده است که در مقیاس پنج امتیازی لیکرت (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) داده‌های مورد نظر جمع‌آوری شد. تعداد سؤال‌های مربوط به هر متغیر، پایایی و منبع سؤال‌های پرسشنامه‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. ترکیب سؤالات بر اساس متغیرهای پژوهش

منبع	تعداد گویه	علامت اختصاری	شاخص	علامت اختصاری	متغیر
ناهایت و گوشال (۱۹۹۸)	۱۵	Str	ساختاری	Soc	سرمایه اجتماعی
		Cog	شناختی		
		Rel	رابطه‌ای		
شعبان (۱۳۹۸)	۳۱	Act	اقتصاد مقاومتی و اقدام عمل مدیر	Eco	اقتصاد مقاومتی
		Cap	توانمندی‌های مدیر		
		App	رویکرد مشارکتی اقدام و عمل کارکنان		
		Ski	مهارت‌ها و شایستگی‌های مدیر		
		Prof	نیمرخ سازمانی و دوره عمر شرکت		
بورديو (۱۹۸۶)	۲۲	Ins	سرمایه فرهنگی نهادینه شده (تحصیلات)	Cul	سرمایه فرهنگی
		Emb	سرمایه فرهنگی تجسم یافته		
		Obj	سرمایه فرهنگی عینیت یافته		
هاريسون و گاف (۱۹۸۷)	۴۲		-	Res	مسئولیت پذیری

در روش‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری، جهت ارزیابی پایایی سازه‌های مورد بررسی در مدل تحقیق، از دو شاخص: ۱. روایی همگرا و ۲. روایی واگرا استفاده می‌شود. روایی همگرای متغیرها با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل در جدول ۲، مقدار (AVE) روایی همگرا همه متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۵۰ و آلفای کرونباخ و پایایی سازه بزرگ‌تر از ۰/۷۰ بود.

جدول ۲. آلفای کرونباخ، پایایی سازه و روایی همگرای متغیرهای پژوهش

متغیر	آلفای کرونباخ	CR	AVE
سرمایه‌ی فرهنگی	۰/۹۱	۰/۸۴	۰/۵۱
سرمایه‌ی اجتماعی	۰/۸۹	۰/۹۰	۰/۵۵
اهداف اقتصاد مقاومتی	۰/۸۴	۰/۸۵	۰/۵۳
مسئولیت‌پذیری	۰/۷۹	۰/۷۳	۰/۵۹

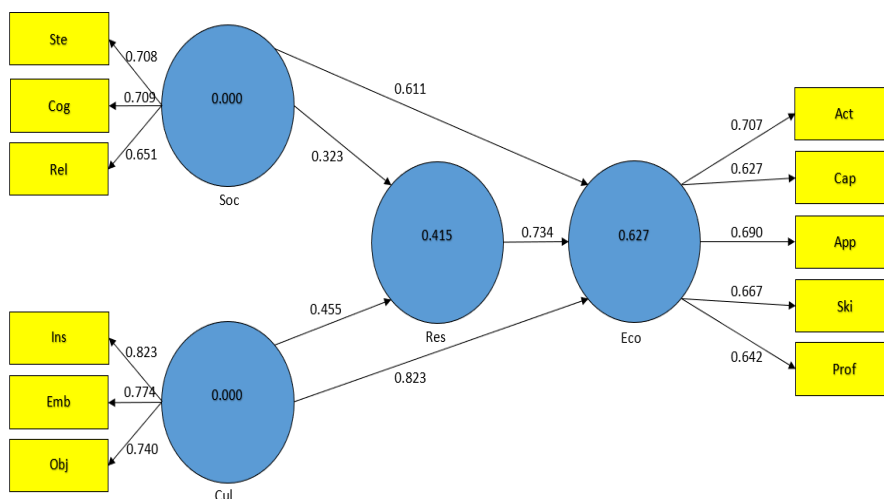
در روایی واگرا محقق برای اثبات این نکته که سازه‌های به‌خصوص، دارای واریانس مشترک بالاتری با سنجه‌های خود نسبت به سایر سازه‌های الگو است، باید روایی واگرا برای سازه‌های تحقیق را اثبات کند. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در بررسی معیار فورنل لارکر نشان داده شده است که مقادیر موجود در روی قطر اصلی ماتریس (ریشه دوم مقادیر واریانس شرح داده شده)، از کلیه مقادیر موجود در سطر و ستون مربوطه بزرگ‌تر می‌باشند. این امر نیز نشان‌دهنده همبستگی شاخص‌ها با سازه وابسته به آنهاست.

جدول ۳. روایی واگرا (روایی تشخیصی)

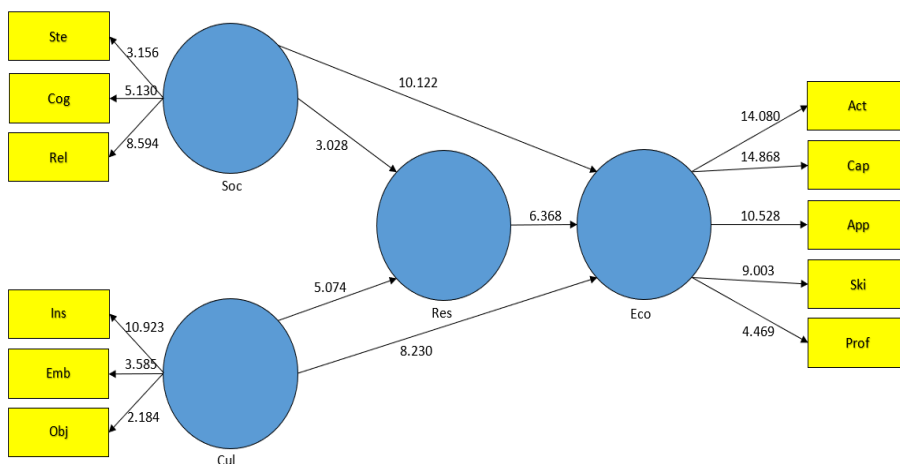
متغیر	سرمایه اجتماعی	سرمایه فرهنگی	مسئولیت پذیری	اهداف اقتصادی مقاومتی
سرمایه اجتماعی	۰/۷۸			
سرمایه فرهنگی	۰/۷۰	۰/۷۱		
مسئولیت‌پذیری	۰/۶۷	۰/۶۵	۰/۶۹	
اهداف اقتصادی مقاومتی	۰/۵۷	۰/۶۰	۰/۵۸	۰/۷۶

یافته‌ها

در ادامه الگوی فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌شود:



شکل ۲. ضرایب مسیر استاندارد الگوی مفهومی پژوهش



شکل ۳. معناداری ضرایب مسیر مدل مفهومی پژوهش

قبل از بررسی فرضیات تحقیق ابتدا باید برازش مدل ساختاری نیز مورد تأیید قرار گیرد برای این کار از دو معیار ضریب تعیین، استون گیسر استفاده می‌شود.

جدول ۴. روایی واگرا (روایی تشخیصی)

متغیر مکنون درون‌زا	مسئولیت‌پذیری	اهداف اقتصاد مقاومتی
R^2	۰/۴۱۵	۰/۶۲۷
Q^2	۰/۳۵۱	۰/۴۴۹

ضریب تعیین R^2 ارتباط بین مقدار واریانس شرح داده‌شده یک متغیر نهفته را با مقدار کل واریانس آن سنجش می‌کند. مقدار این ضریب نیز از ۰ تا ۱ متغیر است که مقادیر بزرگ‌تر، مطلوب‌تر است. مطابق با جدول ۴، مقدار R^2 برای سازه‌های درون‌زا با توجه به مقدار ملاک، تقریباً مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می‌سازد. معیار Q^2 استون-گیسر، قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌کند و در صورتی که مقدار آن در مورد یک سازه درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را کسب کند، به‌ترتیب نشان از قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه یا سازه‌های برون‌زای مربوط به آن را دارد. مقدار Q^2 برای سازه‌های درون‌زا محاسبه شده که نشان از قدرت پیش‌بینی متوسط مدل در خصوص

سازه‌های درون‌زای پژوهش دارد و برازش مناسب الگوی ساختاری را بار دیگر تأیید می‌سازد.

مقدار نیکویی برازش (GOF) برابر با ۰/۵۷۱ محاسبه شده است که این عدد با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵، ۰/۳۶ که به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است، نشان از برازش کلی قوی الگو دارد.

$$GOF = \sqrt{\text{communality} \times R^2} = \sqrt{0,625 \times 0,521} = 0,571$$

با توجه به شکل ۲ و ۳ و جدول ۵، در رابطه با کلیه فرضیه‌ها عدد معناداری بیشتر از ۱/۹۶ و ضریب استاندارد مثبت شده است. بنابراین بین این متغیرها رابطه مستقیم، مثبت و معنادار وجود دارد.

جدول ۵. نتیجه فرضیه‌های پژوهش

نتیجه	ضریب معناداری	ضریب استاندارد	نوع رابطه	فرضیه
تأیید	۱۰/۱۲۲	۰/۶۱۱	مستقیم	سرمایه‌ی اجتماعی ← اهداف اقتصاد مقاومتی
تأیید	۳/۰۲۸	۰/۳۲۳	مستقیم	سرمایه‌ی اجتماعی ← مسئولیت‌پذیری
تأیید	۸/۲۳۰	۰/۸۲۳	مستقیم	سرمایه‌ی فرهنگی ← اهداف اقتصاد مقاومتی
تأیید	۵/۰۷۴	۰/۴۵۵	مستقیم	سرمایه‌ی فرهنگی ← مسئولیت‌پذیری
تأیید	۶/۳۶۸	۰/۷۳۴	مستقیم	مسئولیت‌پذیری ← اهداف اقتصاد مقاومتی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی با تأکید بر نقش مسئولیت‌پذیری مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران بود. پس از تحلیل داده‌ها مشخص شد سرمایه اجتماعی بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران تأثیر می‌گذارد. نتیجه حاصل از آزمون این فرضیه با یافته‌های محققانی همچون پارديمان (۲۰۱۸)، روزیو و همکاران (۲۰۱۸)، فاضلی کبریا و همکاران (۱۳۹۸)، ابراهیمی و رکیانی و همکاران (۱۳۹۷)، نامیان و میر (۱۳۹۶)، شیخ پور و مهدی‌زاده (۱۳۹۲)

مطابقت داشت. در تحلیل‌های مربوط به بین‌الملل، به‌طورکلی، سرمایه اجتماعی بر نتایج اقتصادی تأثیرگذار است. مطالعه لیو و همکاران^۱ (۱۹۹۰) در ارتباط بین سرمایه اجتماعی و نگرش‌های مربوط، دریافته‌اند که اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی تأثیر قابل‌توجهی بر رضایت شغلی اعمال می‌کنند. به‌طور خاص، اعتماد اجتماعی پیش‌بینی‌کننده قوی رضایت‌مندی شغلی در تحلیل‌های تجربی است که بیانگر اهمیت سرمایه اجتماعی در اثرگذاری بر نگرش‌های کار و رفتار کارکنان است. یانچی و برونکر^۲ (۲۰۱۲) نیز در مطالعه‌ای دریافته‌اند که صفات رفتاری خاص فرد (به جای ویژگی‌های موقعیتی مربوط به سازمان) از قبیل اعتماد اجتماعی، ادراک کارکنان از رفتار منصفانه را شکل می‌دهد و در نتیجه بر نگرش کاری افراد اثرگذار است. بنابراین با توجه به مطالعات، می‌توان انتظار داشت که سرمایه اجتماعی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در محیط کار نیز نقش مهمی ایفا کند؛ به بیان دیگر، اعتماد اجتماعی و نهادی بالا بین افراد و این ادراک که بیشتر مردم و ارگان‌ها قابل اعتمادند و در برخورد و ایجاد تعامل با آنها لزومی به احتیاط زیاد نیست، موجب می‌شود که به تولیدات و سرمایه‌گذاران داخلی اعتماد بیشتری شده و پیمان‌کاران جهت رفع مشکلات همه تلاش خود را جهت استفاده از سرمایه‌گذاران، تولیدات و تجهیزات داخلی اعمال کنند و همچنین به سیاست‌ها و توصیه‌های رهبری در زمینه تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی توجه بیشتری کرده و با گسترش این فرهنگ به حوزه کاری، سعی کند تا از تجربه طرح‌های قبلی در ساخت طرح‌های جدید استفاده کرده و تمام تلاش خود را جهت کاهش میزان اتلاف زمان و هزینه طی انجام طرح و بهبود تصویر سازمان خود اعمال نماید.

نتیجه دیگر تأثیر سرمایه اجتماعی بر مسئولیت‌پذیری مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران بود که با نتایج پوداوامان و ساتارلان (۲۰۱۸)، سزبیلر (۲۰۱۸)، ابراهیمی و ورکیانی و همکاران (۱۳۹۷)، تاتارکو و اسمیت (۲۰۱۶)، علمی و قربانی (۱۳۹۵)، علی‌نصر اصفهانی و همکاران (۱۳۹۵)، علامه و همکاران (۱۳۹۵)،

عباس زاده و همکاران (۱۳۹۴) و لینان و سانتوس (۲۰۰۷) مطابقت داشت. با استناد به یافته‌های ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸)، سرمایه اجتماعی، چارچوبی یکپارچه برای درک ایجاد و به اشتراک گذاری دانش در یک سازمان است و در این چشم‌انداز، پیوندهای قوی پایدار بین مدیران و اعضای شرکت، سازمان را نسبت به سایر سازمان‌ها، از مزیت تولید دانش برخوردار می‌سازد. لازم به ذکر است که، اثرات سرمایه اجتماعی در شرکت محدود به کیفیت کار گروهی نیست، بلکه به درک فرد از محیط کارش گسترش می‌یابد. روکوئنا^۱ (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای، نقش اعتماد به مدیریت و روابط اجتماعی در شرکت را بر رضایت شغلی و کیفیت زندگی کاری مورد بررسی قرار داد و دریافت که سرمایه اجتماعی نسبت به عواملی چون ویژگی‌های مدیران، شرکت یا سازمان و محیط کاری، عامل مؤثرتر و مهم‌تری در افزایش کیفیت زندگی کاری و رضایت‌مندی شغلی است. واتسون و پایامارکوس (۲۰۰۲)، اقدامات تجربی ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) در زمینه سرمایه اجتماعی را پیاده کرده و دریافتند که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از جمله اعتماد فردی به مدیریت، ارتباط با همکاران و درک ساختارهای هنجاری تأثیر مهمی بر تعهد سازمان در نمونه‌ای از متخصصان فروش در یک شرکت پزشکی دارد. با توجه به مطالعات ذکر شده می‌توان، انتظار داشت که این سرمایه در در ادراکات مدیران نیز نقش مهمی ایفا کند؛ به بیان دیگر وجود اعتماد به مدیریت و روابط اجتماعی خوب در میان کارکنان شرکت موجب می‌شود که اهدافی که در شرایط بحران اقتصادی در سطوح بالاتر سلسله مراتب تعریف شده است، توسط شرکت‌های دانش‌بنیان سرلوحه عمل قرار گیرد و از طرفی در تصمیم‌گیری‌های خود در شرایط بحران اقتصادی با مدیران و کارکنان مربوطه مشورت کنند. به تخصص و شایستگی مدیران و کارکنان نیز توجه کرده، از تمام توانمندی آنها استفاده کرده و همچنین مدیران و کارکنان را تشویق کنند که به شیوه‌های جدید و خلاق فکر و رفتار کنند؛ به بیان دیگر، به دلیل حاکم بودن روابط خوب در محیط کار، انتظار می‌رود که مدیران را بتوان تشویق و قانع کرد که هم در وقت و هم در هزینه‌ها از الگوی صحیح مصرف استفاده کنند. با افزایش سرمایه اجتماعی، به‌خصوص در زمینه هنجارهای کاری، مدیران بر اساس

مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های مشترک، فعالیت‌های روزانه خود را انجام دهند و همین امر موجب می‌شود که اهداف اقتصاد مقاومتی در رأس سازمان به حوزه کاری مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان نیز گسترش یافته و این فرهنگ به‌عنوان یک هنجار و ارزش مشترک بین مدیران شناخته شود.

یکی دیگر از نتایج تأثیر سرمایه فرهنگی بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران بود که با یافته‌های محققانی همچون فاضلی کبریا و همکاران (۱۳۹۸)، دعاگویان و بختیاری (۱۳۹۵) و گنجی و حیدریان (۱۳۹۳) هم‌جهت بود. با نگاهی به نظریه سرمایه فرهنگی و روند شکل‌گیری آن در میان کنش‌گران اجتماعی و نیز مصرف و تولید محصولات به‌عنوان حلقه‌ای از زنجیره اقتصاد می‌توان روابط متقابلی را میان آن دو تشخیص داد. به‌طوری‌که بوردیو با وجود نظریه‌پردازی در حوزه سرمایه فرهنگی، از مفاهیمی چون مصرف کالاهای فرهنگی، تولید فرهنگی، میدان تولیدات فرهنگی و محصولات فرهنگی استفاده می‌کند. بوردیو فرهنگ را مانند نوعی اقتصاد یا بازار در نظر می‌گیرد. در این بازارها، انسان‌ها بیشتر از سرمایه فرهنگی خود مایه می‌گذارند تا سرمایه اقتصادی. این سرمایه بیشتر از خاستگاه طبقه اجتماعی مردم و تجارب آموزشی آنان سرچشمه می‌گیرد (ریترز، ۱۳۸۶)؛ بنابراین سرمایه فرهنگی باید با مدیریت افکارسازی جامعه به‌گونه‌ای پیش برود که بتواند نسبت تعادلی و تکاملی را میان عوامل و متغیرهای تشکیل دهنده اقتصاد مقاومتی شکل دهد. خود فرهنگ به‌عنوان یک موضوع قابل مدیریت در دستور کار قرار می‌گیرد تا چنین رویکرد فرهنگی در جامعه برای رسیدن به هدفی چون اقتصاد مقاومتی پدید آید. البته دستیابی به اقتصاد مقاومتی نیازمند بسترسازی و ایجاد شرایط و زمینه‌هایی است که اگر تحقق نیابد نمی‌توان امید داشت که اقتصاد مقاومتی در جامعه شکل گیرد. از مهم‌ترین عواملی که اقتصاد مقاومتی بر بنیاد آن شکل می‌گیرد، بینش و نگرشی است که به‌عنوان موتور محرکه فعالیت‌های انسانی مطرح است. بنابراین، دستیابی به اقتصاد مقاومتی متکی به وجود توانایی در خود در برابر تحرکات دشمن سلطه‌گر است و باید جامعه به باور «ما می‌توانیم» برسد و از طرفی هم این واقعیت بپذیرد که دشمن سرسختی دارد که می‌کوشد تا این توان را از

وی سلب کند و او را وابسته به خود سازد و استقلال او را مخدوش سازد؛ در این صورت است که اقتصاد مقاومتی شکل می‌گیرد. بنابراین، برای مدیران و کارکنان شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی نخست باید مدیریت فرهنگ‌سازی برای تغییرات متناسب و لازم به شیوه مهندسی فرهنگ اقتصادی انجام دهند تا شرکت در مسیری قرار گیرد که به دو اصل توانستن و مقاومت در برابر فشار برسد و شکل جدیدی از اقتصاد و تولید را سامان دهد که ضمن برآورده کردن همه نیازهای اساسی شرکت، در برابر هرگونه فشار سلطه‌گران و مستکبران مقاومت کند و از استقلال و خودکفایی بهره‌مند شود و به مسیر رشد و شکوفایی خود ادامه دهد.

دیگر نتیجه این پژوهش، تأثیر سرمایه فرهنگی بر مسئولیت‌پذیری مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران بود که با نتایج اکبریان و واحدی (۱۳۹۸)، امیر احمدی و نوابخش (۱۳۹۵)، اردلان و بهشتی (۱۳۹۴) و عرب‌ناز و همکاران (۲۰۱۱) مطابقت دارد. روبرترز (۱۳۹۲) و سیمپسون (۲۰۰۲) متذکر شده‌اند مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها و مؤسسات مالی، اقتصادی، انتفاعی و مانند آن به‌شدت تحت تأثیر سرمایه فرهنگی مدیران آن قرار دارد؛ به زعم آنان بسیاری از رفتارها، تصمیمات، برنامه‌ها و اهداف سازمان نا حدود زیادی متأثر از سرمایه‌های فرهنگی مدیران آن است و اساساً ریشه در فرهنگ دارد (اکبریان و واحدی، ۱۳۹۸)؛ به عبارتی سرمایه فرهنگی مدیران، مسئولیت اجتماعی آنان را متأثر کرده، به‌طوری که رفتار سازمانی، اهداف و برنامه‌های شرکت تا حدود زیادی متأثر از باورها و سرمایه‌های فرهنگی است. جهت‌گیری‌های قانونی و اخلاقی تعیین می‌کند که چگونه سرمایه فرهنگی به‌عنوان سازوکاری برای ارزش‌یابی مسئولیت‌های اجتماعی در سازمان به‌کار می‌رود و این سرمایه می‌تواند بین رفتار سازمانی، مسئولیت‌پذیری و کارآمدی و اثربخشی مدیران سازمان ارتباط و اتصال برقرار کند. با توجه به اینکه سرمایه فرهنگی دلالت بر شناخت و آگاهی دارد، هرچه میزان آگاهی مدیران و تعلق خاطرشان به مسائل فرهنگی بیشتر باشد، نگرش حمایت‌کننده و مسئولانه‌تری به شرکت و مؤسسات خود خواهند داشت؛ بر این اساس، میزان برخورداری مدیران از سرمایه فرهنگی می‌تواند به‌عنوان عامل مستقیم و تسهیل‌کننده، مسئولیت‌پذیری آنان را در

ارتباط با شرکت خود تقویت کند (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۶)، بنابراین داشتن سرمایه فرهنگی بالا، نگرش مساعدتری به شرکت و محصولات آن القا می‌کند و از سوی دیگر، مسئولیت‌پذیری مدیران شرکت دانش‌بنیان منبعی برای ارتقای سرمایه فرهنگی قلمداد می‌شود که به صورت همزمان عمل می‌کند.

یکی دیگر از نتایج تأثیر مسئولیت‌پذیری مدیران بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران بود. در تبیین یافته این تحقیق می‌توان گفت که دنیای امروز، دنیای سازمان‌هاست. در حقیقت، این سازمان‌ها هستند که رکن اصلی جامعه کنونی را تشکیل می‌دهند. انسان‌ها، از عوامل اصلی سازمان‌ها تلقی شده و موجب تحقق اهداف سازمان‌ها هستند. از طرفی وجود سازمان‌هایی با مدیران مسئولیت‌پذیر ضروری است. به فردی می‌توان مسئولیت‌پذیر گفت که برای کنترل خواسته‌های خود و پاسخگویی به نیازهای دیگران، از اراده‌ای قوی برخوردار باشد. فرد مسئولیت‌پذیر، در قبال رفتارها و عملکرد خود نیز پاسخگوست و مسئولیت سود و زیان وظیفه یا تکلیفی را که بر عهده دارد، می‌پذیرد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱). مسئولیت‌پذیری را به‌عنوان آن نوع تصمیمات و اقدامات سازمان‌ها توصیف کرده‌اند که به‌دلایلی، فراسوی منافع مستقیم اقتصادی یا فنی اتخاذ می‌شوند (والکر و پارت، ۲۰۱۰)؛ به‌عبارتی از مجموعه از ارزش‌ها، باورها و دانش‌های مشترک انسانی و محیطی در میان کارکنان در انجام فعالیت‌های معطوف به تولید و با ایجاد ارزش افزوده و به معنی دیگر این که در وجود کارکنان چه ارزش‌ها و نگرش‌هایی درونی شده و مورد پذیرش سازمانی قرار گرفته است (هارت و همکاران، ۲۰۰۹). مدیران موفق همیشه تلاش دارند تا با افزایش مسئولیت‌پذیری خود، سازمان را در مسیر پیشرفت و تعالی قرار دهند (نصیری‌پور و همکاران، ۱۳۹۱)؛ اغلب، پس از بررسی تحلیلگران، میزان تأخیر در کارها شناسایی و ارزیابی می‌شود و سپس میزان مسئولیت‌پذیری کارکنان مشخص می‌شود؛ زیرا در اغلب اوقات، برخی تأخیرهای خاص، پس از تجزیه و تحلیل برنامه‌ها و طرح‌ها مشخص می‌شوند. اما حتی اگر تأخیری هم

مشخص نشود، مفاهیم اساسی مرتبط با تعیین مسئولیت یکسانند (ناگاتا و همکاران، ۲۰۱۸). بر این اساس مدیران ضمن توجه به اهداف اقتصاد مقاومتی، تأمین شرایط و فعال‌سازی تمامی امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور برای توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد، باید بتوانند خودکفایی ایجاد کنند و در عین حال هزینه‌های کشور را کاهش دهند و با طراحی ساز و کار پایداری برای توسعه اقتصاد ملی و خروج از اقتصاد تک محصولی و دستاورد آن، در شکوفایی، رفع مشکلات معیشتی و افزایش رفاه عمومی مردم تلاش کرده و همچنین باید به این رویکرد اقتصادی که مردم بنیاد است (یعنی اقتصاد دولتی صرف نیست، اقتصادی مردمی است که با اراده مردم، سرمایه مردم و حضور مردم تحقق پیدا می‌کند)، توجه کنند. مدیران می‌توانند با بر عهده گرفتن مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک به فعالان اقتصادی، در آماده‌سازی و تسهیل شرایط، سعی کنند (براری شفیعی و پردهقان، ۱۳۹۶).

نتیجه دیگر نقش میانجی مسئولیت‌پذیری مدیران را در روابط بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی با تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران تأیید کرد. در این زمینه مطالعات نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۹)، تاجیک (۱۳۹۶)، نمایان و میر (۱۳۹۶)، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، مجبی و اکبرزاده (۱۳۹۱) و شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۱) در راستای پژوهش قرار داد و با نتایج این تحقیق تطبیق پذیر است. اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد غیرشکننده و در عین حال پاسخگو در زمینه‌های مختلف است. در چنین شرایطی لازم است تا زمینه‌های مختلف یک کشور دارای نوعی استقلال اقتصادی باشد و در بخش‌های واقعی و مالی و... به خودکفایی برسد و این مسأله با بهره‌گیری از اقتصاد مقاومتی محقق می‌شود (سلیمی، ۱۳۹۱).

از آنجایی که مدیران، به منزله پایه‌های رشد و توسعه سازمان‌ها، از جمله مهم‌ترین دارایی کشور و سازمان‌های پویا به‌شمار می‌آیند، همواره باید برای توانمندسازی آنها تلاش کرد. مدیران، از جمله مهم‌ترین اجزای اقتصاد مقاومتی به‌شمار می‌آید و جایگاه ویژه‌ای در

ترویج فرهنگ مقاومت در سازمان‌ها و کشور، توسعه صنعتی و مناسبات اقتصادی دارد و از طرفی، توسعه اقتصادی کشورها و ارائه مدل‌های توسعه‌ای متناسب با فرهنگ هر کشور، یکی از زمینه‌های بحث‌انگیز در حوزه مدیریت توسعه بوده است. اقتصاد مقاومتی، به دنبال تربیت مدیران کارآمد و حمایت همه‌جانبه از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی می‌باشد تا تأثیر تحریم بر صنعت تولید را کاسته و کشور در زمینه تولید محصولات، به خودکفایی برسد (رجبی‌پور و فتحی، ۱۳۹۶). یکی از عوامل مؤثر در کارآمد بودن سازمان‌ها وجود ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی مناسبی است که با تعهد و مسولیت‌پذیری افراد همبسته باشد. محققان اعتقاد دارند که رهبران عالی و ممتاز سازمان‌ها علاوه بر داشتن تعهد در مهارت‌های مدیریتی مانند مهارت فنی، مهارت تکنیکی و مهارت مفهومی، نیاز به داشتن یک سری ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری نیز دارند. یکی از این ویژگی‌های رفتاری که در ارتباط با بهره‌وری شغلی و رشد و تحول مطرح است، تعهد سازمانی و مسولیت‌پذیری است (ولبوند زمانی، ۱۳۸۵). از جمله مهم‌ترین شاخص‌هایی که در زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی می‌توان بیان کرد وجدان کاری و مسولیت‌پذیر بودن مدیران سازمان‌ها است و از جمله مواردی هستند که در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی نقش به‌سزایی دارند.

از طرفی عضو یک خانواده مشترک بودن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند در ایجاد حس همفکری و رویارویی با خطر در راستای مقاوم‌سازی سازمانی و مدیریت مصرف، کارساز باشد. از سوی دیگر، ایجاد هنجارهای مشترک اجتماعی که به‌صورت خودجوش و مدت‌دار در سازمان به‌وجود آمده باشد تأثیر به‌سزایی در تقویت روحیه مبارزه علیه فساد و مدیریت انرژی دارد. ارتباط دهان به دهان در راستای انتقال حکایات و داستان‌های مشترک سازمانی بین کارکنان موجب می‌گردد، فرهنگ و رخدادهای فرهنگی به‌عنوان تمدن سازمانی در تقویت اهداف اقتصاد مقاومتی و بعد مقاوم‌سازی، مدیریت مصرف و مبارزه با مفاسد اقتصادی سازمانی ایفای نقش می‌کند؛ تیم‌سازی و رهبر و مدیر بودن هر فرد در مجموعه و وظایف اجرایی خود، می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر تمرکز بر پیشگیری و مبارزه با فسادهای بالقوه سازمانی، موثر باشد. یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار بر تحقق اهداف

اقتصاد مقاومتی، سرمایه فرهنگی بوده است که بر اساس مؤلفه‌های آن، می‌توان استنباط کرد افزایش مطالعات آزاد کارکنان و افزایش اطلاعات عمومی و تخصصی آنها در خصوص مبارزه با مفاسد، مدیریت بهتر و بهینه مصرف و مقاوم‌سازی سازمانی با برگزاری نشست‌های تخصصی ملی و بین‌المللی می‌تواند تأثیر مثبت و معناداری بر تحقق اهداف اقتصاد مقاوتی داشته باشد؛ همچنین استفاده از کالای ایرانی، بهره بردن از خدمات و محصولات شرکت‌هایی که در داخل ایران فعالیت می‌کنند به‌طور معناداری در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی تأثیر گذار است (نمایان و میر، ۱۳۹۶).

سازمان‌ها ناگزیر در درون محیط خارجی پرتلاطمی قرار دارند و بدین‌منظور، این نیاز در سازمان‌ها مشاهده می‌شود که مدیران، پی در پی مسائل سازمانی را رصد کرده و به تدوین برنامه‌هایی برای حل اینگونه مسائل بپردازند. بدین‌جهت، در امتداد تحقق اقتصاد مقاومتی، این نیاز وجود دارد که مدیران به افراد، گروه‌ها و دیگر واحدهای سازمانی به چشم منابع انسانی بنگرند که باید توسعه داده شوند. در این راستا، نقش مدیران در پیشبرد اهداف سازمان و توسعه و پیشرفت آن، بسیار حیاتی و پر رنگ است به‌طوری که در اغلب کشورهای در حال توسعه، یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های مدیران کارآمد در سطوح مختلف، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی شاغل در تمام حرفه‌ها است (رجبی‌پور و دهقانی، ۲۰۱۳)، تا آنها با حس مسئولیت و تعهد کامل به مسائل در جامعه و حرفه خود به کار بپردازند و اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند. از همین جا می‌توان دریافت که بر مسئولان شرکت دانش‌بنیان است که مهندسی فرهنگ اقتصاد مقاومتی را در دستور قرار دهند؛ زیرا باید فرهنگ را در شرکت ایجاد و نهادینه سازند که رفتارهای اقتصادی آنان را به شکل خاصی تحت تأثیر مستقیم خود قرار دهد. شرکت باید در بینش و نگرش به این باور برسد که توانایی آن را دارد که همه نیازهای اقتصادی خود را پاسخگو باشد و هرگونه فشار دشمنان را نیز دفع کند. از آنجایی که فرهنگ اقتصاد مقاومتی مانند هر حوزه دیگر، نیازمند تولید دانش و ادبیات متناسب با آن است، باید درحوزه مدیریت پژوهش اقتصادی نیز وارد شد و ادبیات جدیدی مبتنی بر

اقتصاد مقاومتی تولید و در جامعه رایج کرد و آن‌گاه در مدیریت آموزش آن ادبیات و فرهنگ تولید شده را در اذهان قرار داد تا افراد جامعه با این رویکرد جدید انس گیرند.

پیشنهادها

با توجه به تأیید نقش سرمایه اجتماعی بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران پیشنهاد می‌شود برای افزایش سرمایه اجتماعی، شرکت دانش‌بنیان بستر لازم را برای جلب مشارکت هر چه بیشتر مدیران و کارکنان در سازمان‌های فرهنگی و مؤسسات آموزشی، مؤسسات خیریه و سازمان‌های سیاسی فراهم سازد؛ همچنین توصیه می‌شود جهت افزایش اعتماد نهادی (مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی)، شرکت دانش‌بنیان تلاش لازم را جهت جلب اعتماد مدیران و کارکنان به ارگان‌های مختلف از جمله نهادهای قانون‌گذار، نهادهای نظارت بر اجرای قانون و نهادهای نظامی و امنیتی اعمال کند؛ در جنبه شناختی سرمایه اجتماعی، برنامه‌های آموزش‌های رسمی گنجانده شود؛ همچنین در بخش رفتاری که به تبعیت از بزرگان، فرهنگ حاکم و اقدامات مدیران و گروه‌های مرجع بستگی دارد، پیشنهاد می‌شود برای معرفی الگوهای موفق در این زمینه اقدام شود و کارکنانی که برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی از طریق سرمایه اجتماعی مشارکت، اعتماد، همدلی و جز آن تلاش می‌کنند، شناسایی و تشویق شوند.

با توجه تأیید نقش سرمایه اجتماعی بر مسئولیت‌پذیری مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران پیشنهاد می‌شود مدیران شرکت دانش‌بنیان تلاش کنند تا کیفیت اعتماد متقابل میان همکاران را به حدی که به راحتی در رابطه با موضوعات و مسائل شخصی بتوانند صحبت کنند، افزایش دهند و از طرفی، به‌طور منظم، کارکنان و پیمانکاران را در سازمان دور هم گرد آورده و اطلاعات مهمی را در رابطه با طرح در اختیار آنها قرار دهند تا بدین وسیله اعتماد کارکنان به رهبری را افزایش دهند و با افزایش این اعتماد، نقشی اثربخش در افزایش سرمایه اجتماعی کارکنان ایفا کنند؛ همچنین در طرح‌های اجرایی شرکت دانش‌بنیان، با مناقشات و اختلاف نظرات به‌طور هدفمند و

منصفانه برخورد شده و تلاش شود که مدیران و کارکنان بر اساس مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های مشترک، فعالیت‌های روزانه خود را انجام دهند.

با توجه به تأیید نقش سرمایه فرهنگی بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران پیشنهاد می‌شود در شرکت‌های دانش‌بنیان باید توسعه فرهنگ سازمانی به گونه‌ای باشد که از ایده‌های کارکنان و خلاقیت آنان حمایت کند و نیز به کارگیری آموزش گروهی و تقویت یادگیری گروهی در قالب فرایندهای کاری برای خلق و توسعه سرمایه‌های فرهنگی در شرکت دانش‌بنیان توصیه می‌شود؛ همچنین شرکت دانش‌بنیان به ارتقاء سطح سرمایه فرهنگی (در سه حالت تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده) فردی، اجتماعی و ملی در جهت گسترش بازارهای محصولات فرهنگی و هنری و در نتیجه توسعه فرهنگی توجه داشته باشد.

با توجه تأیید نقش سرمایه فرهنگی بر مسئولیت‌پذیری مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران پیشنهاد می‌شود به سیاست‌گذاری، مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی که با تقویت رویکرد همه جانبه‌نگری از طریق افزایش هر چه بیشتر آگاهی از کیفیت ذائقه شهروندان در عرصه فرهنگ به دست می‌آید و به کمرنگ شدن هر چه بیشتر رویکرد برنامه‌ریزی برای فرهنگ می‌انجامد توجه جدی شود؛ همچنین به مدیران شرکت دانش‌بنیان پیشنهاد می‌شود جهت تقویت بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی، جریان عملیاتی فعالیت‌ها را در کلیه سازمان رسمی‌سازی کنند. این کار می‌تواند با ساده‌سازی فرایندهای پیچیده زنجیره تأمین شروع شود. ابتدا باید کلیه ساختارهای شکست کار^۱ زنجیره تأمین در شرکت کشف و شناسایی شود و خود آنها نیز به فعالیت‌های کوچک‌تری تقسیم شود و برای انجام هر یک یا نظارت بر آنها، شخصی متخصص در شرکت مشخص گردد تا وظایف محوله را انجام دهد. شرکت دانش‌بنیان می‌تواند این وظایف را به شکل چرخشی و تصادفی توسط کارشناسان مختلفی در شرکت انجام دهد تا این گردش اطلاعات و انتقال دانش در سازمان موجب هم‌افزایی بهتری شود.

با توجه تأیید نقش مسئولیت‌پذیری مدیران بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران پیشنهاد می‌شود از ارزیابی ۷۲۰ درجه‌ای زنجیره تأمین در سامانه کنترلی بازخوردی، استفاده شود که جهت ارتباط بهتر همکاری زنجیره تأمین در راستای بهبود مدیریت مصرف و مبارزه با مفاسد اقتصادی شرکت دانش‌بنیان توصیه می‌شود. این ارزیابی مبتنی بر: نظارت مدیران بر کارکنان (۹۰ درجه)، کارشناسان مربوط (۹۰ درجه)، مصرف‌کنندگان کلی (۹۰ درجه)، مصرف‌کنندگان جزئی (۹۰ درجه)، همکاران زنجیره تأمین اصلی (۹۰ درجه)، همکاران زنجیره تأمین فرعی (۹۰ درجه)، سازمان خارجی ناظر (۹۰ درجه) و سایر ذی‌نفعان (۹۰ درجه) که مجموع آنها ۷۲۰ درجه است. در این سامانه حلقه بسته، تمامی ارزیابان، بازخوردهای خود را مستقیماً به سامانه اعلام می‌کنند تا از انحراف مسیر اصلی عملکردهای حیاتی جلوگیری به عمل آورند. همه این بازخوردهای مثبت و منفی، پس از ایجاد تعارضات مثبت، منجر به همکاری بهتر زنجیره تأمین و سپس بهبود عملکرد عملیاتی سازمان خواهد شد.

با توجه تأیید نقش میانجی مسئولیت‌پذیری مدیران در روابط بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی با تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری مازندران پیشنهاد می‌شود در راستای شکل‌دهی و تقویت اعتماد، همدلی و تفهیم کارکنان، شرکت دانش‌بنیان به مستندسازی کلیه رخدادهایی که ظرفیت تبدیل به دانش سازمانی را دارند رو بیاورند؛ چرا که اطلاعات شرکت به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع لازم جهت اعتمادسازی و همفکری برای یکپارچگی بیشتر به‌شمار می‌آیند، بنابراین ضرورت دارد تا شرکت طرح‌ها و تاریخچه خود را به‌طور مناسبی مستندسازی کند؛ این کار باعث می‌شود نقاط بحران‌ها و چالش‌ها شناسایی شده و جهت بهبود اعتمادسازی اطمینان محیطی، راهکارهای مناسب با برگزاری جلسات منظم با کلیه کارکنان ارائه شود؛ برای اعتمادسازی بین کارکنان و مدیران شرکت دانش‌بنیان، استفاده از شبکه پشتیبانی یکپارچه است که به‌صورت هدفمند در هر فرایندی از فعالیت‌های کلیدی و تأثیرگذار اجرا می‌شود. این شبکه را می‌توان مدیریت یکپارچه‌سازی و اتصال به سایر نظام‌های اطلاعاتی سازمان‌های دیگر دانست که در این صورت، بایستی حد و میزان دسترسی به این اطلاعات

در سطح پشتیبانی زنجیره تأمین برای استفاده کلیه کارکنان مشخص شود که با اجرای این شبکه پشتیبانی، مسائل و مشکلات پدیدآمده تا حد زیادی شناسایی و برای آنان راهکارهایی اتخاذ می‌شود؛ به مدیران شرکت دانش‌بنیان پیشنهاد می‌گردد تا از فناوری خودسازمان‌یابی^۱ استفاده کنند که در راستای تقویت سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی سازمان است. این فناوری، فرایندی است، که در طی آن سازمان‌یافتگی درونی یک نظام (به‌طور نرمال یک حلقه باز)، به سمت پیچیدگی افزون‌تر تکامل پیدا می‌کند، بدون آنکه توسط عوامل بیرونی هدایتی دریافت کرده باشد، یا اعمال مدیریتی بر روی آن صورت پذیرفته باشد. این فناوری که اغلب به‌صورت سامانه‌ای اینترنتی که مبتنی بر فرایندکاوی انجام وظیفه می‌کند، تمامی رخدادهای جزئی ممکن در فرایندهای اجرایی شرکت از جمله ارتباطات در حوزه زنجیره تأمین با همکاران زنجیره تأمین را رصد کرده و اگر به انحرافی از برنامه‌های از پیش تعریف شده برسد، پس از اعلام بازخورد به مدیران یا کارشناسان، تصمیمات را مرور کرده و براساس خودیادگیری قبلی مبتنی بر هوش مصنوعی و الگوریتم‌های فراابتکاری، تصمیم بهینه را اتخاذ خواهد کرد. برخی افراد، این سامانه را با مانیتورینگ خودکار اشتباه برداشت می‌کنند که تفاوت این دو در بسیاری از مسائل از جمله خودیادگیری، تصمیمات توسط خود سامانه، پیشرفت با گذشت زمان و غیره است. این سامانه می‌تواند همزمان در هر دو سازمان همکار در زنجیره تأمین پیاده شود تا بسترهای لازم جهت انحراف و کاهش خطای انسانی را به‌وجود آورد و پس از گذشت زمانی مشخص، این خطاها را به صفر برساند.

چابک‌سازی فعالیت‌ها در شرکت دانش‌بنیان، پیشنهاد بعدی است که در خصوص تقویت سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و تأثیر آن بر مقاوم‌سازی و مدیریت مصرف اقتصاد مقاومتی ارائه می‌شود. چابک‌سازی زنجیره تأمین از چند طریق شامل: ادغام فرایندها، حساسیت و پاسخگویی به ارتباط، مجازی‌سازی، شبکه‌مداری، حذف فعالیت‌های موازی، تقسیم وظایف بین شرکای زنجیره تأمین، حذف بروکراسی‌های اداری ناکارآمد، استفاده بهینه از منابع انسانی و غیره صورت می‌گیرد. در مقابل چابک‌سازی در شرکت

دانش‌بنیان، دو مانع داخل سازمان (تغییر در سبک فرایندهای سازمانی و نپذیرفتن توسط کارکنان به دلیل لختی سازمانی) و بیرون سازمانی (عدم ایجاد تعهد برای شرکای زنجیره تأمین) از عواملی هستند که در اجرای چابک‌سازی اختلال ایجاد می‌کنند. باید تغییرات به وجود آمده با سرعت آرام و به صورت پیوسته اجرا شود تا این تغییرات جهت انعطاف سازمان در مقابل شرایط مختلف، نهادینه شود. جهت مقابله با عوامل بیرون سازمانی، می‌توان با انعقاد تفاهم‌نامه‌های مشترک توسط سازمان‌های بالادستی، تعهد به اجرای قوانین جدید در رابطه با چابک‌سازی را تا حدی ایجاد کرد.

جهت هدایت و کمک به تحقیقات آتی که توسط محققین دیگر در این حوزه صورت خواهد گرفت و با توجه به محدودیت در روش‌شناسی بخش کمی این پژوهش و استفاده صرف از داده‌های کمی، پیشنهاد می‌شود که در آینده، پژوهشی مشابه، با استفاده از داده‌های کیفی نظیر مصاحبه صورت پذیرد و به عنوان مکمل نتایج حاصل از این تحقیق، به بهبود اعتبار یافته‌ها کمک کند. همچنین به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که تحقیقی با عنوان مشابه در سایر صنایع و جوامع آماری انجام دهند تا علاوه بر غلبه محدودیت تعمیم‌پذیری آن، بر نتایج آن را با تحقیق حاضر مطابقت دهند تا بیش دقیق‌تری در زمینه نقش سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر رویکرد اقتصاد مقاومتی حاصل شود.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- ابراهیمی ورکیانی، احسان؛ مینویی، مهرزاد؛ فتحی، زاداله و فدوی، عارفه (۱۳۹۷)، نقش سرمایه اجتماعی (از دو دیدگاه سرمایه اجتماعی مدنی و سرمایه اجتماعی کاری) بر نگرش اقتصاد مقاومتی در سازمان (مطالعه موردی: پیمانکاران خاتم‌الانبیاء)، *پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی*، ۸(۱۸): ۳۳-۷۷.
- اخضریان، محمدرضا و خلیل زاده محمدرضا (۱۳۹۴)، بنیان‌های اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری. تهران: *چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*.
- اردلان، م. و بهشتی، ر (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی و سرمایه فکری بر بهره‌وری نیروی انسانی با نقش میانجی‌گری مسوولیت‌پذیری اجتماعی، *مدیریت برآموزش سازمان‌ها*، ۴(۱)، ۷۳-۱۰۲.
- اکبریان، مصطفی واحدی، هلیا (۱۳۹۸)، بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن بر مسوولیت اجتماعی مدیران بنگاه‌های اقتصادی - انتفاعی (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران)، *پژوهش‌های جامعه‌شناسی*، ۱۳(۲ و ۱): ۷-۲۴.
- امیراحمدی، رحمت‌اله و نوابخش، مهرداد (۱۳۹۵)، تأثیر سرمایه فرهنگی بر توسعه شهری با تأکید بر مشارکت شهروندان در نوسازی بافت‌های فرسوده (مطالعه موردی: شهر مشهد)، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۸(۳): ۳۵-۴۹.
- باینگانی، بهمن و کاظمی، علی (۱۳۸۹)، بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی، *برگ فرهنگ فصلنامه*، شماره بیست و یکم.
- براری شفیعی، زینب و پیردهقان، فاطمه (۱۳۹۶)، نقش توسعه نیروی انسانی در تحقق اقتصاد مقاومتی، *فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری*، شماره ویژه کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، ۲۷-۳۶.
- سایت رسمی مقام معظم رهبری (۱۳۹۱)، *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان*، به نشانی: khamenei.ir، ۱۳۸۹/۶/۱۶ و ۱۳۹۱/۵/۸ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.
- تاجیک، امیر (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر اقتصاد مقاومتی بر عملکرد نوآوران با در نظر گرفتن نقش میانجی مدیریت دانش در صنعت نساجی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه پیام نور، دماوند.

- تمنا، سعید؛ صمدی، سمیه (۱۳۹۵)، رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۲(۱): ۹۹-۱۲۶.
- جواهری، سیدمحسن (۱۳۹۳)، اقتصاد مقاومتی، *ماهنامه گزارش*، شماره ۲۵۹، ص ۴۲.
- حسن زاده، سعید (۱۳۹۳)، ساز مخالف لیبرالیسم در اقتصاد مقاومتی، *نشریه کیهان فرهنگی*، شماره ۳۳۲، ص ۳۶.
- حسینی قمی، طاهره (۱۳۹۱)، رشد آموزش، *مشاور مدرسه*، ۳۰(۴): ۱۶-۱۹.
- حمیدی‌زاده، علی؛ شهیدزاده، فریبا و موحدی‌فر، عرفان (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر نوآوری سازمانی (مورد مطالعه: اداره کل مخابرات شهرستان قم)، *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۲۱(۲): ۲۰۳-۲۲۳.
- خاوری، سید عبدالله (۱۳۹۵)، ارائه مدل دستیابی به اقتصاد مقاومتی با تأکید بر نقش سرمایه فکری و اجتماعی نیروی کار، تهران: سازمان فنی حرفه‌ای،
- دعاگویان، داود. و بختیاری لطفعلی (۱۳۹۵)، ابعاد فرهنگ و مدیریت جهادی در تحقق اقتصاد مقاومتی در نیروی انتظامی، *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی*، ۱۲، ۱۳۶-۱۱۹.
- رجبی‌پور، علی‌رضا و فتحی، فاطمه (۱۳۹۶)، کارکرد مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی منابع انسانی در تحقق اقتصاد مقاومتی، *اولین همایش ملی علوم رفتاری و اسلامی*، اردکان.
- روحانی، حسن (۱۳۸۸)، درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی، *فصلنامه راهبرد*، ۱۸(۵۳): ۷-۳۵.
- رهبر، فرهاد؛ سیف‌الدین، امیرعلی و امیرحسین رهبر (۱۳۹۳)، رهیافتی بر هستی‌شناسی اقتصاد مقاومتی، *فصلنامه روش‌شناسی*، ۷۸.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۶)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثالثی، تهران: انتشارات علمی.
- زارع، حسین، قربانی، سارا (۱۳۹۹)، ارائه مدل پیش‌بینی رفتارهای یاری‌رسان بر اساس متغیرهای ادراک خطر، خودکارآمدی و حل مسئله اجتماعی با توجه به متغیر میانجی مسئولیت‌پذیری، *شناخت اجتماعی*، ۹(۲): ۱۲۳-۱۳۶.
- زینال‌اقدام، نجیبه و زمانی امیرزکریا، حمیده (۱۳۹۴)، بررسی جایگاه سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری در تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی، *همایش ملی اقتصاد مقاومتی دانش‌بنیان*.
- سلیمی، سعیده (۱۳۹۱)، بررسی نقش تحریم اقتصادی بر بخش‌های عمده اقتصادی، *همایش ملی آسیب‌ها و فرصت‌های تحریم اقتصادی*، دانشگاه آزاد اسلامی اراک.

- سوری، علی (۱۳۹۳)، سرمایه اجتماعی و رشد در ایران، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۲(۶۹): ۶۴-۶۹.
- شیخ‌الاسلامی، زین العابدین (۱۳۹۱)، مدل سه مرحله‌ای نیل به تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، *همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی گیلان*.
- شیخ پور، مهدیه و مهدی زاده، سمانه (۱۳۹۲)، نقش سرمایه‌های اجتماعی بر اقتصاد مقاومتی در شرایط تحریم، *مجموع مقالات کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم*، بابلسر، شرکت پژوهشی طرد شمال.
- صالحی، معصومه؛ جباری، مرضیه؛ عباسی، عبدالله (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی، ضرورت‌ها و مؤلفه‌ها، *همایش ملی فرهنگ‌سازی اصلاح رفتارهای اقتصادی در ایران امروز*، ابرکوه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابرکوه.
- طاهری بازخانه، صالح و حمید لعل خضری (۱۳۹۲)، بررسی رابطه‌ی بین فرهنگ و اقتصاد مقاومتی با تکیه بر نقش رسانه ملی، *کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم*.
- عباس‌زاده، محمد؛ بوداقتی، علی؛ حسن پور، محمد؛ حسینی، سید صمد (۱۳۹۴)، تأثیر سرمایه اجتماعی سازمانی بر ظرفیت انطباق‌پذیری سازمانی، *مطالعات رفتار سازمانی*، ۴(۳).
- علامه، سید محسن؛ توکلی، هدی؛ طبائیان، ریحانه السادات (۱۳۹۵)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر تسهیم دانش و سرمایه فکری، *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، ۱۰۱-۱۱۸.
- علمی، زهرا (میلا) و قربانی، محبوبه (۱۳۹۵)، اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۷۱-۸۲.
- عزیززاده اقدم، محمدباقر؛ بنی‌فاطمه، حسین؛ عباس‌زاده، محمد؛ سلطانی‌بهرام، سعید (۱۳۹۶)، نقش سرمایه فرهنگی در تحقق شهروندی بوم‌شناختی، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۹(۲): ۱۰۷-۱۳۳.
- علی‌نصراصفهانی، علی؛ فرخی، مجتبی؛ امیری، زینب (۱۳۹۵)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی کارکنان (مورد مطالعه: پرستاران بیمارستان شریعتی تهران)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۷(۲).
- فاضلی کبریا، حامد؛ بهمنی، اکبر؛ رحیمیان، سودابه (۱۳۹۸)، نقش سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی (مورد مطالعه شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی تهران)، *سومین کنفرانس بین‌المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری*، تهران.
- فشاری، مجید و جواد پورغفار (۱۳۹۳)، بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، *مجله اقتصادی*، ۱۴(۵): ۲۹-۴۰.

- کازرونی، علیرضا؛ محمدزاده، پرویز؛ حقیقت، جعفر؛ تیموری الله لو، سجاد (۱۳۹۸)، اثر تکنانه‌های پولی بر اشتغال تحت رژیم‌های ارزی در ایران: رویکرد DSGE، *اقتصاد و تجارت نوین*، ۱۴(۲): ۷۷-۱۰۴.
- کلمز، هریس و رینولد، بین (۱۳۹۵)، *روش‌های تقویت عزت نفس در نوجوانان*، تهران: به‌نشر.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری. تهران، نشر نی
- گنجی، م. و حیدریان، ا (۱۳۹۳)، سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ (با تأکید بر نظریه‌های پی‌یر بوردیو و دیوید تراسبی)، *راهبرد*، ۲۳(۷۲)، ۷۷-۹۷.
- محبی، صابر و اکبر زاده، رجب (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی سیر تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی، *همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی*، رشت، دانشگاه گیلان.
- مرادی، فرشاد؛ امین بیدختی، علی‌اکبر؛ شهریاری‌پور، رضا (۱۳۹۱)، بررسی رابطه شیوه‌های تصمیم‌گیری مدیران با مسئولیت‌پذیری کارکنان (مطالعه موردی دانشگاه سمنان)، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۲(۳): ۴۰۳-۴۲۴.
- میلانی، جمیل (۱۳۹۴)، اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن، *مجله اقتصادی*، ۷ و ۸، ۵-۲۲.
- نصیرزاده، عبدالمهدی؛ اسلامی، صدیقه؛ رضاشاه علی، محمود (۱۳۹۹)، بررسی نقش میانجی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تأثیر سرمایه فکری و سرمایه فرهنگی بر بهره‌وری نیروی انسانی (مورد مطالعه: اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان)، *علوم حرکتی و رفتاری*، ۳(۲): ۲۰۰-۲۰۷.
- نصیری پور، امیراشکان؛ طیبی، سید جمال الدین؛ حبیبی، منصوره (۱۳۹۱)، رابطه ارائه تسهیلات رفاهی با مسئولیت‌پذیری کارکنان در مراکز بهداشتی و درمانی شهرستان نور، *مجله سلامت و بهداشت*، ۳(۳): ۲۸-۳۷.
- نامیان، فرشید و میر، علی (۱۳۹۶)، ترسیم مدل بومی سرمایه اجتماعی برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی با روش کیفی نظری داده بنیاد، *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۴(۱): ۴۵-۷۴.
- ویلوند زمانی، حسین (۱۳۸۵)، ارتباط بین منبع کنترل (CPI) و تعهد و مسئولیت‌پذیری افسران نزاجا، *فصلنامه مدیریت نظامی*، ۲۴: ۸۵-۹۸.

ب. منابع انگلیسی

- Arab Naz and et al. (2011). The crises of identity: globalization and its impacts on socio cultural and psychological identity among Pakhtuns of Khyber Pakhtunkhwa Pakistan, *International journal of academic research in Business and social sciences*, 1, 1.

- Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital in Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education. (ed.) JG. Richardson, New York: Greenwood Press, 241-258.
- Hardt S. S., Thurow-Kröning, B., & Frey, D. (2009). Preference-based escalation: A new interpretation for the responsibility affection escalating commitment and entrapment. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 108: 175–186.
- Ing-Long Wu, Mai-Lun Chiu. (2018). Examining supply chain collaboration with determinants and performance impact: Social capital, justice, and technology use perspectives. *International Journal of Information Management* 39 (2018) 5–19.
- Linan, F., & Santos, F. J. (2007). Does social capital affect entrepreneurial intentions? *International Advances in Economic Research*, 13, 443-453.
- Liu, Y., Huang, Y., Luo, Y., & Zhao, Y. (2012). How does justice matter in achieving buyer–supplier relationship performance? *Journal of Operations Management*, 30(5), 355–367.
- Mergler A.(b), Spencer F. M. and Patton W. A. (2007). Relationships Between Personal Responsibility, Emotional Intelligence and Self Steem in Adolescents and Young Adults, *The Australian Educational and Developmental Psychologist*, 24(1), 5-18
- Nagata, M. F., Manginelli, W. A., Lowe, J. S., Trauner, T. J. (2018). **Construction delays: understanding them clearly, analyzing them correctly**. Butterworth-Heinemann.
- Nahapiet, J., & Ghoshal, s. (1998). Social Capital, Intellectual capital & the organizational advantage; *Academy of management Review*, 23(2), 242-260.
- Nakhaie, M R. & Curtice J. (1988). Effects of Class Position of Parents of Human Capital.
- Pardiman, P. (2018). The Effect of Social Capital and Organizational Commitment Toward Performance Lecturer with Islamic Work Ethics as a Moderating Role. *Jemma*, 15(01), 12-26.
- Pudawawan B. & Sutarlan S. (2018). Improving Employees' Performance Through Social Capital. *IOSR Journal of Business and Management (IOSR-JBM)*. 20(8): 65-72.
- Rouziou, M., Dugan, R., Rouziès, D., & Iacobucci, D. (2018). Brand assets and pay fairness as two routes to enhancing social capital in sales organizations. *Journal of Personal Selling & Sales Management*, 38(2), 191-204.
- Sözbilir, F. (2018). The interaction between social capital, creativity and efficiency in organizations. *Thinking Skills and Creativity*, 27:92-100.
- Tatarko, A., Schmidt, P. (2016). Individual social capital & the implementation of entrepreneurial intentions: The case of Russia. *Asian Journal of Social Psychology*, 19(1): 76–85.
- Walker, M. & Parent, M. M. (2010). Toward an integrated framework of corporate social responsibility, responsiveness & citizenship in sport, *Sport Management Review*, 13: 198– 213.

